

چندین مثال برای این غیر شفاف بودن که در اقتصاد بازار غیر قابل تحمل است می توانم ذکر کنم. مثال اول این است که در سال ۱۳۹۲ گاز طبیعی هر متر مکعب ۲ سنت به مصرف کننده های شخصی و کارخانه ها تحویل داده می شود. قیمت صادرات گاز طبیعی ایران به ترکیه در آن زمان هر متر مکعب ۵۵ سنت و به عراق ۴۴ سنت و قرارداد فروش گاز به پاکستان که بخش ایرانی لوله کشی آن به پایان رسیده، ۵۰ سنت بوده است. در همین زمان کمبود گاز طبیعی خراسان از ترکمنستان تأمین و از قرار متر مکعبی ۳۸ سنت خریداری شده است.

سؤال این است اگر اقتصاد بازار حاکم بود و گاز را به قیمت حداقل ۴۰ سنت به کارخانه های پتروشیمی و فولاد و غیره تحویل می دادیم، آیا هزینه ها بر قیمت صادراتی فوب خلیج فارس کالاهای تولید شده فرونی نمی گرفت؟

تخمین حقیر آن است که این کارخانه ها حتی قادر به مصرف آب در متر مکعبی صفر ریال نیز نبودند. چه رسد به آنکه آب را بخواهند به قیمت متر مکعبی بیش از ۱۰ هزار تومان از خلیج فارس شیرین کرده و به سیرجان برسانند. مثال دیگر این است که بین سال های ۹۱ و ۹۲ قیمت هر دلار آمریکا علی رغم کوشش دولت دهم به تثبیت آن، از ۱۳۰۰ تومان در کمتر از یک سال به ۳۶۰۰ تومان افزایش یافت. حال چنان چه یارانه های آشکار و پنهان گوناگون به شرکت های خودروسازی پرداخت نمی شد، آیا تولیدات این شرکت ها توانایی رقابت با خودروهایی خارجی را داشتند که حتی مصرف کننده آب باقی بمانند. بدون علت نیست که اجرای دو مصوبه دوران ساز مجلس شورای اسلامی از سوی دیوانسالاران دولت های اخیر بر خلاف قانون مسکوت مانده است. در سال ۱۳۸۱ مجلس نرخ دلار را تک نرخ اعلام و مصوب کرد که نرخ ارز در تناسب با اختلاف تورم ریال و دلار سالانه افزایش یابد. اما دولت ها تا ۱۰ سال این قانون را اجرا نکردند و هم اکنون نیز اجرا نمی کنند. اگر این مصوبه اجرا می شد اکنون نرخ دلار بیش از ۱۰ هزار تومان می بود و برخی صنایع و کشت ها از رونق افتاده و سرمایه گذاری ها به سمت صنایع و تولیدات کشاورزی بهینه سوق داده می شد. قانون دیگری که از طرف دیوانسالاران اخیر زیر پا گذاشته شده قانون کاهش یارانه های پنهان انرژی و پرداخت هدفمندانه یارانه های نقدی به عموم ملت ایران بوده است. طبق این قانون باید کلیه حامل های انرژی ۹۰ درصد قیمت فوب خلیج فارس آنها باشد. در حالیکه برای سال ها صنایع انرژی بر به میزانی تا ۲۵۰۰ درصد یارانه غیر مستقیم انرژی دریافت کرده اند.

به عبارت دیگر در این سال ها که دولت می بایست هر بشکه نفت را به قیمت ۹۵ دلار تحویل کارخانه های داخلی می داد، سوخت این کارخانه ها را معادل هر بشکه نفت سه دلار و ۲۴ سنت به این کارخانه ها تحویل داده است. در واقع به کمتر از یک بیست و نهم (۱/۲۹) قیمت مصوب مجلس. بر طبق بند ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ دیوانسالارانی که چنین ضرر هنگفتی به خزانه دولت زده اند، شخصاً ضامن تأدیه خسارت به بیت المال می باشند.

شما که می گوید در این اقتصاد دستوری، قیمت ها و هزینه های تولید بر پایه محکم استوار نیستند. چگونه برای طرح های بلند مدت صنعتی و اقتصادی و آمایش سرزمین، توجیه اقتصادی تهیه می شود؟
می خواهم پاسخ این پرسش را بدون هر گونه رو در بایستی بدهم. تهیه کنندگان

طرح های توجیهی خود نیز به پوچ بودن این محاسبات واقفند و به همین علت است که پس از نوشتن طرح، حتی چهار عمل اصلی و ریاضی دبستانی را نیز دیگر به بازی نمی گیرند. در این کشور نخست به قدرت می رسیم بعد طرح هایی را که به دلایل گوناگون از قبل در نظر داشته ایم ملبس به لباس فاخر توجیه "اقتصادی" می کنیم. اما در نهایت، مجری که خود می داند طرح چگونه تهیه شده است حتی زحمت تطبیق آن با واقعیت را به خود نمی دهد. حتی اگر بتوان با یک حساب ساده به تباهی آن پی برد، تناقض گویی آشکار دو وزیر و یک معاون نظارت بر بهره برداری آبفای کشور در گزارش منتشر شده در وب سایت اتاق خبر ۲۴ (که در فوق به آن اشاره شده است) نمونه بارز این مدعاست.

برای درک زبانی که از بابت یارانه های پنهان انرژی و قیمت های ساختگی آن به اقتصاد ملی وارد می آید، پنج مورد در خاطر دارم.

الف- در حالی که شدت تابش و تعداد روزهای آفتابی در سال در حوالی کرمان به مراتب از کشور آلمان بیشتر است، استفاده از انرژی خورشیدی در ایران به صرفه نیست. زیرا نمی تواند با گاز ۲۵ برابر ارزان شده رقابت کند.

ب- صنعتی که در صورت حذف یارانه ها نمی تواند روی پای خود بایستد، با کمک یارانه های پنهان انرژی توانایی آن را دارد که آب دریای عمان را شیرین کرده و با گذراندن از ارتفاعات بالای ۲۰۰۰ متر و در فاصله بیش از ۵۰۰ کیلومتر در کارخانه فولاد خود به مصرف برساند.

ج- افزایش فاصله طبقاتی و دو قطبی شدن جمعیت بیش از همه چیز مرهون آن است که ثروتمندان، چه در خانه و چه در کارخانه خود، توان مصرف انرژی بیشتری را دارند تا آن زارع فقیر در اندوهجرد.

د- مصرف گاز طبیعی با ارزان فروشی، تا آنجا تشویق شده که ملت ۸۰ میلیونی ایران بیشتر از اروپای مرفه ۳۶۰ میلیونی، گاز طبیعی مصرف می کند.

ه- گویا وزارت نیرو یارانه های سهمگین انرژی را برای کارخانه داران کافی نمی داند و به کشاورزان دستور می دهد که چنانچه زراعتشان بی صرفه شده می توانند پروانه بهره برداری چاه آب خود را فقط به صاحبان صنایع بفروشند و اکیدا نمی توانند آن را به همسایه کشاورز موفقی که در پنج کیلومتری ایشان مزرعه دار است، آب را انتقال دهند. کرا را و با خشونت چنین مجاری انتقال آبی را با بلدوزر منهدم کرده اند.

ان شاء الله که سخنان دلسرد کننده شما از سوی مسئولین پاسخی در خور داشته باشد. می خواستم در پایان نظر تان را درباره طرح همیاران آب بدانم؟

اطلاعات حقیر از کشاورزی محدود به پسته، هندوانه و گندم است. از سایر کشت ها اطلاع کافی ندارم. همین قدر می دانم هندوانه در مناطق جنوبی استان از سوی کشاورزان با صرفه ترین محصول شناخته می شود. ولی آن طور که شنیده ام در یکی از جلسات کارشناسی طرح همیاران آب که بعد از محاسبات کارشناسی خود کشت هندوانه را با صرفه تر از کشت گندم یافتند، تشخیص مصلحت دادند که حقیقت را کتمان کنند!!

در پایان لازم می بینم که کوشش های «اقتصاد کرمان» را در شفاف سازی مسائل اقتصادی استان ارج نهم.